

دختران شهید «محمود جمع آور» راه پدرشان را ادامه می‌دهند

# میزبانی زهرا و مظهره از زائران امام رضا (ع)

۵۴



۶

بررسی المان‌ها و دیوارنگاری‌هایی که در سال‌های قبل مهمان همیشگی منطقه شده‌اند

بهارانه‌هایی  
برای تمام فصول



۷

محفلی برای شاعران و غیرشاعران

۸

مشکلات امروز، حاصل بی‌توجهی دیروز

اهالی محله شقایق ۲ در نشست با مسئولان شهری اولویت‌های خود را برشمردند

## مشکلات امروز، حاصل بی‌توجهی دیروز



نجمه موسوی کاهانی اشقایق ۲ یکی از محلات حاشیه‌ای منطقه ۹ است که در فهرست محلات تخصیص اعتبار یافته شورای شهر ششم قرار گرفته است؛ اعتباری ۱۰ میلیاردی که قرار است اتفاقات مهمی را در محله‌های حاشیه رقم بزند. هفته گذشته اعضای کمیته نظارتی شماره یک شورای شهر به همراه شهردار منطقه در مسجد موسی بن جعفر (ع) که پایگاه مردمی محله است، حضور یافتند تا مشکلات اهالی را رودر رو بشنوند و اولویت‌های آن‌ها را برای اختصاص این اعتبار در محله در نظر بگیرند.

### فهرستی از خواسته‌های مردمی

تعیین تکلیف زمین‌های شهرک صابر، رفع مشکل جاری شدن آب و فاضلاب در کوچه، قرارداد ن سرویس‌های حمل و نقل عمومی برای تردد در خیابان صابر ۲ و خیابان شقایق بخشی از مهم‌ترین مشکلاتی بود که رئیس شورای اجتماعی محله شقایق ۲ به نمایندگی از اهالی در این جلسه مطرح کرد. رکن الدین رحمانی در ادامه بر ایجاد فضای سبز و مکان‌های تفریحی ورزشی مناسب به عنوان خواسته قدیمی ساکنان تأکید کرد. رفع مشکل انبارهای ضایعات، تملک خانه‌هایی که در مسیر بازگشایی کوچه‌ها قرار گرفته‌اند و تعیین تکلیف تجاری موقت‌هایی از جمله دیگر مسائلی است که به گفته او مشکلات زیادی را برای اهالی ایجاد کرده‌اند. بهسازی پیاده‌روها و ترمیم آسفالت خیابان‌ها و کوچه‌ها نیز اغلب در صدر فهرست خواست‌های مردمی قرار دارند. رئیس شورای اجتماعی محله شقایق ۲، بی‌توجهی مسئولان شهری در دهه‌های گذشته، را عامل مشکلات امروز شهرک صابر دانست و گفت: این محله که جمعیت زیادی را نیز در خود جای داده است، در حالی از کمترین امکانات شهری بی‌بهره است که در همسایگی محلات برخوردار قرار گرفته است.

### اشتغال جوانان محل در کوه پارک

بی‌توجهی به آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی بخش دیگری از گله‌های اهالی محله شقایق ۲ بود که رحمانی به نمایندگی از مردم به آن‌ها اشاره کرد. او گفت: مشکلاتی مانند اعتباری که گریبان بسیاری از جوانان را گرفته است با ایجاد شغل و صیانت بعد از ترک، حل شدنی است. ما می‌توانیم از ظرفیت کوه پارک و پارک خورشید برای اشتغال جوانان این محله استفاده کنیم. تجهیز مدارس و مساجد به عنوان پایگاه‌های فرهنگی نیز از دیگر راهکارهایی است که به شهرداری منطقه ارائه داده ایم.

او به تقسیم بندی نام گذاری های غیر کارشناسانه محلات، به عنوان موضوعی که بسیاری از مشکلات فرهنگی را در محله موجب شده است اشاره کرد و گفت: شهرک صابر به سه بخش شقایق یک، شقایق ۲ و گلدیس تقسیم شده است. کوچه صابر ۲ که بخشی از شهرک صابر است در محله گلدیس قرار گرفته است در حالی که هیچ سنخیتی با گلدیس ندارد. از طرفی خیابان شقایق را در محله شقایق یک داریم که باعث سردرگم شدن مردم و اشتباه در نظر گرفتن دو محله شقایق یک و شقایق ۲ با هم می‌شود. مادرخواست داده ایم نام محله شقایق ۲ به شهید صیاد شیرازی، تغییر کند و کوچه صابر ۲ نیز در تقسیمات شهری به محله ما بر گردد.

### تخصیص اعتبار ۲۰۰ میلیون تومانی به مسجد امام زمان (عج)

در پاسخ به بخشی از این گله‌ها، شهردار منطقه گفت که شرایط ایجاد زیرساخت‌های مناسب برای عملیات عمرانی در این محله توسط کارشناسان در حال بررسی است. سعید حسینی زاده مقدم توضیح داد: بهسازی معابر، ایجاد فضای سبز مناسب و امکانات ورزشی و تفریحی در اولویت برنامه‌های مقرر دارد. هر چند زمین خالی مناسب برای ساخت ورزشگاه و پارک فرهنگ سردار این محله وجود ندارد اما با استفاده از ظرفیت مساجد و مدارس، مشکل نبود فضاهای تفریحی و فرهنگی را به حداقل خواهیم رساند.

او توجه به مساجد را به عنوان پایگاه‌های فرهنگی محلات ضروری دانست و ادامه داد: اعتبار ۲۰۰ میلیون تومانی به مسجد امام زمان (ع) در کوچه صابر ۲ تخصیص یافته است. امیدواریم با تکمیل این مسجد نقش آن به عنوان پایگاه فرهنگی محله تقویت شود.

و عده شهردار منطقه ۱۰ در مراسم افتتاح یک کتابفروشی در چهارراه ورزش

## ایجاد روز بازار کتاب در غرب مشهد



ظرفیان ا دو هفته پس از آنکه شهردار منطقه ۱۰ از مدیران کتابفروشی‌های بنام مشهد دعوت کرد تا در جلسه هم‌اندیشی راه‌اندازی پاتوق و گذر کتاب غرب مشهد، شرکت و ایده‌های خود را مطرح کنند. یک مرکز کتاب در چهارراه ورزش با حضوران مدیران منطقه افتتاح شد.

در مراسم افتتاح این مرکز که در سالن اجتماعات فرهنگسرای شهرزاد و بیباومین برگزار شد، شهردار منطقه، رئیس اداره آموزش و پرورش ناحیه ۷ و جمعی از ناشران، هنرمندان و استادان برتر آموزش کتابخوانی شرکت کردند و درباره نقش کتاب و مطالعه در توسعه پایدار محلات شهری به بیان نظرات خود پرداختند.

### دعوت از سازمان‌ها برای توسعه قرائت‌خانه

شهردار منطقه ۱۰ در این مراسم راه میان بر توسعه فرهنگی و ایجاد مراکز اجتماع محصور در شهر را، توسعه فرهنگ کتابخوانی، دانست و گفت: با این حال زیرساخت‌های مناسب تحقق این مهم، مانند تعدد و دسترس بودن کتابخانه‌ها، قرائت‌خانه‌ها و فروشگاه‌های عرضه کتاب در منطقه ۱۰ ایجاد نشده است.

سعید اکبری‌ان با بیان اینکه فرهنگ کتابخوانی با دستور ایجاد نمی‌شود، گفت: یکی از برنامه‌های ما شناسایی مشاوران توسعه فرهنگ کتابخوانی از میان شهروندان ساکن در منطقه است تا بتوانیم با کمک این افراد فرهنگ کتابخوانی را در محلات مختلف گسترش دهیم. او گفت: بخش زیادی از دانش‌آموزان ساکن در قاسم‌آباد در آستان‌ها زندگی می‌کنند و فضایی برای مطالعه ندارند. مدارس، اداره‌ها و مساجد منطقه تقاضا داریم در صورتی که فضای مناسبی برای ایجاد قرائت‌خانه دارند، به عنوان مشارکت در نهضت عمومی توسعه کتابخوانی پای کار بیایند. اکبری‌ان با بیان اینکه کتابفروشی در منطقه به میزان کافی وجود ندارد گفت: باید از افرادی که در این اوضاع نامناسب اقتصادی پول خود را در زمینه فرهنگ سرمایه‌گذاری می‌کنند حمایت کنیم. علاوه بر آن به دنبال ایجاد روز بازارهایی برای عرضه کتاب دست دوم در منطقه غرب مشهد هم هستیم.

### شکل‌گیری محافل فرهنگی در راستای نظام تعلیم و تربیت

در ادامه رئیس اداره ناحیه ۷ آموزش پرورش مشهد، شکل‌گیری محافل فرهنگی در منطقه ۱۰ را در راستای اهداف نظام تعلیم و تربیت و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش دانست. رضار فسنجانی با بیان اینکه «امروز فضای تعلیم و تربیت مملو از مهارت‌آموزی است»، گفت: جامعه‌ای می‌تواند به توانمندی و مراتب عالی برسد که به دنبال دانایی و توانایی مجهز باشد. برای ایجاد این توانایی‌ها در فرزندانشان به باری همه ارگان‌ها و سازمان‌ها در منطقه ۱۰ نیاز داریم.

او ادامه داد: سازمان یونسکو که هر ساله تعریفی از سواد ارائه می‌کند چند سال قبل سواد را توانایی خواندن و نوشتن تعریف کرد. با توسعه تکنولوژی‌ها، سازمان یونسکو «توانایی کار با ابزارها» را نیز در تعریف سواد گنجانده است. چندی بعد، توانایی برقراری ارتباط با دیگران، را به این تعریف اضافه کرد. اما این سازمان در آخرین تعریف خود از سواد به تعبیر «توانایی انسان‌ها برای تغییر» رسیده است. به این معنا که در این روزگار کسانی را می‌توان با سواد دانست که به دانایی و توانایی برسند که در نتیجه آن بتوانند زندگی خود را تغییر دهند.

این مراسم با اجرای برنامه‌هایی مانند شعر، کلمه و شاهنامه خوانی از سوی تعدادی از کودکان و نوجوانان هنرمند منطقه همراه بود. در پایان نیز حاضران به محل مرکز کتاب تازه تأسیس در چهارراه ورزش رفتند و این مکان فرهنگی را افتتاح کردند.

## بر خورد با ساخت و ساز غیر مجاز

بیش از ۲۸۷۰ پروژۀ ساخت و ساز غیر مجاز در ۹ ماهه ابتدایی امسال در محدوده شهرداری منطقه ۹ مجبور به توقف عملیات شدند. در این مدت ۱۰۵۰ پرونده از سوی شهرداری منطقه به کمیسیون ماده صد قانون شهرداری ها ارجاع شد که از این تعداد ۴۹۰ بنای غیر مجاز بر اساس رأی صادره قلع شدند. همچنین از ابتدای سال تا کنون ۶۲۹ ملک پلمب شده اند.

## بهسازی مسیل آب و برق

فاز دوم پروژه ساخت بوستان خطی مسیل آب و برق به پیشرفت فیزیکی ۸۰ درصدی رسید تا طبق زمان بندی تا پایان سال به اتمام برسد. این عملیات شامل بهسازی دیواره های کال، ساخت معابر، اجرای تأسیسات روشنایی و آبیاری مکانیزه، نصب مبلمان پارکی و کاشت فضای سبز در مساحت ۱۲ هزار متر مربعی است که از بولوار هفتم تیر تا بولوار حافظ در حال اجراست.

## یادواره شهدای غرب مشهد

یادواره شهدای غرب مشهد با حضور جانسپین فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مجتمع فرهنگی آیه هاب گزار و پیکر دوشهید گمنام توسط شرکت کنندگان تشییع شد. در این مراسم که نماینده مردم مشهد و کلات در مجلس شورای اسلامی، مدیر کل بنیاد شهید و امور ایثارگران خراسان رضوی و برخی اعضای شورای شهر مشهد نیز حضور داشتند تعدادی از خانواده های شهدای محدوده غرب مشهد قدردانی شد.

## کمک به کودکان کار

طی پویش «دست های مهربانی» بانوان ساکن در منطقه ۱۰ بیش از ۱۰۰ کلاه و شال گردن را برای اهدا به کودکان کار مشهد بافتند. این پویش چندی پیش از سوی فرهنگ سرای خانواده راه اندازی شد و در ادامه سایر فرهنگ سران نیز آن را پی گرفتند. کلاه های بافته شده توسط فرهنگ سرای خانواده در بین کودکان کار توزیع شدند. فرهنگ سرابرای این پویش کلاس های آموزش بافت کلاه و شال را برای بانوان برگزار کرده بود.

## تعریض بزرگراه شهید کلانتری

فاز سوم پروژه ساخت و ساز و بازسازی کانال جمع آوری آب های سطحی بزرگراه شهید کلانتری به طول ۷۰۰ متر آغاز شد. طی اجرای این پروژه، کانال روباز قدیمی بزرگراه شهید کلانتری با هدف افزایش حجم انتقال آب تخریب و تعریض می شود و در پایان روی کانال پوشیده می شود که با این اقدام یک متر به عرض سواره رو بزرگراه اضافه خواهد شد. پیش تر فاز اول و دوم پروژه به طول ۴۰۰ متر به اتمام رسیده بود.

## آغاز هرس زمستانه

عملیات هرس و پیرایش زمستانه درختان و فضای سبز معابر و بوستان های منطقه ۹ آغاز شد. طی این عملیات بیش از ۴۰ هزار اصله درخت هرس و پیرایش خواهند شد ضد عفونی کردن وسایل هرس، استفاده از چسب مخصوص باغبانی، جمع آوری و انتقال شاخه ها و رعایت نکات ایمنی برای جلوگیری از هرگونه خطر احتمالی هنگام اجرای عملیات هرس زمستانه درختان از جمله مواردی است که گروه های هرس ملزم به رعایت آن هستند.

## روشن شدن زیرگذر

زیرگذر تاریک عابر پیاده امام هادی (ع) بالاخره روشن شد. این زیرگذر به دلیل نقص در سیستم های روشنایی و نداشتن امنیت بارها موجب گله مردم بود. رئیس اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ۱۰ در این باره گفت: بسیاری از سیستم های روشنایی در معابر و زیرگذرها در طول زمان به دلیل فرسودگی، خرابی یا سرقت دچار نقص می شوند که پس از شناسایی محیط های تاریک، نوسازی و مرمت آن ها در دستور کار قرار می گیرد.

## رفع آسیب های اجتماعی

برخی نمایندگان شوراهای اجتماعی منطقه ۱۰ با رئیس کلانتری قاسم آبادیدار کردند. آن ها از نیروی انتظامی خواستند برای پیشگیری از مشکلاتی مانند سرقت اقدام کند. این نمایندگان همچنین پیشنهادهایی مانند سازمان دهی نبروهای مردمی و راه اندازی گشت های محلی را مطرح کردند. کارشناس شوراهای اجتماعی محلات منطقه نیز از رئیس کلانتری قاسم آبادیدار دعوت کرد در جلسات شوراهای اجتماعی حضور یابد.

شهردار منطقه ۹ از پیشرفت ۵۵ درصدی پروژه تکمیل بوستان و فا خبر داد

## افتتاح فاز اول تاپایان سال



ظریفیان با پیشرفت ۵۵ درصدی پروژه تکمیل بوستان و فا، شهردار منطقه ۹ وعده داد فاز اول این پروژه تا آخر سال به اتمام برسد. و فا با ۲۱ هکتار مساحت، یکی از بوستان های بزرگ شهری است که از سال ۹۲ در بولوار پیروزی در اختیار شهروندان قرار گرفته است. در سال ۹۸ عملیات اجرایی پروژه پردیس تئاتر شهر با حضور وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی در این بوستان آغاز شد و از آن زمان پروژه های توسعه ای بوستان و فانیز درجه اهمیت بیشتری یافت. در همین راستا پروژه فاز تکمیلی

بوستان و فا از زمستان سال گذشته در زمینی به وسعت دو هکتار آغاز شد. در این پروژه اقداماتی مانند کاشت گونه های متنوع فضای سبز، نصب مبلمان پارکی، ساخت آب نما، طراحی و ساخت آب راه، آفمی تئاتر روباز و... طراحی شده است. در همین باره شهردار منطقه ۹ به شهردار محله گفت: هم زمان با کلید خوردن و شروع به کار پروژه تئاتر شهر به عنوان یک پروژه شهری بزرگ، شهرداری منطقه نیز توجه بیشتری به بوستان کردیم. این موضوع از آنجایی اهمیت دارد که با افتتاح تئاتر

شهر، شهروندان از مناطق مختلف به این بوستان مراجعه خواهند کرد. از این رو طراحی بوستان و فا را به سمت ایجاد جذابیت های بصری بیشتر و بهینه تر کردن اوقات فراغت مردم بردیم. سعیدحسین قلی زاده مقدم تأکید کرد: در راستای تبدیل بوستان و فا به یک بوستان فاخر شهری، اولین اولویت ما اصلاح ورودی های پارک، متناسب با کاربری فرهنگی هنری این مکان است. به نحوی که دسترسی های شهروندان را از ورودی بوستان به ساختمان تئاتر شهر تسهیل کنند.

او با اشاره به پیشرفت فیزیکی ۵۵ درصدی پروژه تکمیلی بوستان و فا گفت: برای اینکه بتوانیم این پروژه را زودتر در اختیار شهروندان بگذاریم، آن را به سه فاز تعریف کردیم که فاز اول را تا آخر امسال به اتمام می رسانیم. شهردار منطقه ۹ در بخش دیگری از این گفت و گو به موضوع تأمین آب بهداشتی در کوه پارک اشاره کرد و گفت: درصد گرفتن مجوز برای انشعاب آب شرب در این بوستان طبیعی هستیم چون در زمان اوج مراجعه مردم به کوه پارک، به اندازه کافی آب شرب بهداشتی در اختیار نداریم.

نشست مشترک سازمان باز آفرینی شهرداری مشهد با دفتر تسهیلگری محله امام هادی (ع) برگزار شد

## بازخوانی مشکلات ریشه دار مردمی



هفته گذشته مدیر عامل سازمان باز آفرینی فضاهای شهری شهرداری مشهد به دعوت دفتر تسهیلگری و توسعه محلی محله امام هادی (ع) به مسجد امام زمان (عج) آمدند تا با اعضای شورای اجتماعی محله و انجمن جماعات مساجد محوری دیدار مردمی داشته باشند و در جریان مهم ترین مشکلات قرار بگیرند. شهردار منطقه ۱۰ نیز در جریان بازدیدهای دوره ای خود از مساجد محلات در این جلسه شرکت کرد و خبر های خوبی را برای رفع برخی مشکلات منطقه ارائه کرد.

### ● اختصاص بودجه برای جمع آوری آب های سطحی

نزدیک به یک سال از تاسیس دفتر تسهیلگری و توسعه محلی در محله امام هادی (ع) می گذرد. در این مدت این دفتر مهم ترین مشکلات اقتصادی، اجتماعی و کالبدی محله را شناسایی کرده و برای رفع این مشکلات پروژه هایی را پیشنهاد داده است. مجموعه این پروژه ها قرار است در جلسه کمیته ملی باز آفرینی که از سوی فرمانداری برگزار می شود بررسی و نتیجه آن تا آخر سال با عنوان سند توسعه محله امام هادی (ع) به تصویب برسد.

ساخت و ساز های غیر مجاز، ترافیک خیابان های امام هادی (ع) و شهید حمامی، تقاضای باز گشایی معابر، آسیب های

اجتماعی مانند اعتیاد، بیکاری، نبود مکان های تفریحی و مجموعه های ورزشی در محله، مشکلات ناشی از کاربری های بزرگ مقیاس محله مانند کارخانه پیسی و تجهیز کتابخانه مسجد حضرت محمد (ص) برخی از مهم ترین مسائلی بودند که نمایندگان شورای اجتماعی محله و معتمدان محلی در این جلسه مطرح کردند. در پاسخ به برخی مشکلات مطرح شده، شهردار منطقه از اختصاص بودجه برای پروژه جمع آوری و دفع آب های سطحی خیابان شهید حمامی خبر داد و گفت که این پروژه در حال انجام است.

مدیر دفتر تسهیلگری و توسعه محلی محله امام هادی (ع) نیز گزارشی از فعالیت یک ساله این دفتر ارائه داد. نجمه رضانی آقداش گفت: در این مدت ما با پیگیری های خود از سازمان های مختلف موفق به رفع برخی مشکلات کالبدی در محله شدیم که در نتیجه این پیگیری ها برخی معابر خاکی در خیابان شهید غلامی و سعادت آسفالت و برخی کوچه های امام هادی (ع) برای کنترل ترافیک یک طرفه شدند. همچنین تفاهم نامه ای با دو مالک در خیابان شهید غلامی که ملکشان وسط راه قرار گرفته است، برای تملک املاک توسط شهرداری و باز گشایی معبر نوشته شد و اصلاح هندسی محور شهید خادم الشریعه در محل اتصال بولوار توس نیز انجام گرفت.

دختران شهید «محمود جمع آور» راه پدرشان را ادامه می دهند

## میزبانی زهرا و مطهره از زائران امام رضا (ع)

منطقه  
۹

### ● با اینکه بابا بود، اما او را کم می دیدیم

مطهره دختر دوم شهید جمع آور بایک سینی چای از آشپزخانه بیرون می آید می گوید: دوستان بابا خیلی از او خاطره دارند اما خودمان خاطرات زیادی نداریم. چون او همیشه در اتاق خودش بود و به دلیل قرص هایی که مصرف می کرد زمان خوابش با ما فرق داشت. شب ها تا صبح پلک روی هم نمی گذاشت. جانبازهای اعصاب و روان در ظاهر بدن سالم دارند اما در اصل برنامه زندگی شان به هم می ریزد. نه اینکه خاطره ای نداشته باشیم منظورم این است که به اندازه بچه های دیگر که با پدرشان وقت می گذرانند، ما اصلا با پاپا دیدیم. تمام شب بیدار بود. نماز صبح را که می خواند با کلی قرص و دارو می خوابید، موقع اذان ظهر ما مان بیدار می کرد تا به مسجد برود. پیش نماز همین مسجد محله خودمان بود. باز بعد از نماز و ناهار می رفت به اتاق خودش در طبقه سوم. آخر حوصله سروصدا هم نداشت. همیشه خدارا شکر می کرد که دختر دارد. داستان دختر داشتن با پاپا هم جالب است. درست همان چیزی که از خدا خواسته بود نصیبش شد.

### ● از امام رضا (ع) تا دختر خواست

وقتی از مطهره می خواهم برایمان تعریف کند که قضیه دختر داشتن پدرش چیست می گوید: از زبان مامان بشنوید بهتر است. رومی کنم به همسر شهید که از ابتدای ورودمان بالبخندی بر لب آرام و ساکت یک گوشه نشسته است. طوبی اکبر زاده می گوید: سال ۶۷ ماه های آخر جنگ بود که ازدواج کردیم. من آن زمان کلاس سوم راهنمایی بودم. آقای جمع آور جبهه بود که مسافر پدرش از طریق یک معرف فقط با یک عکس به خانه ما آمدند. همان موقع در روز خواستگاری متوجه شدیم که او درس طلبگی هم می خواند. مامان و بابا خصوصیات او را که شنیدند گفتند: جوان خوبیست، مؤمن است و خاطرم آن جمع است که بعد از فوت مایک نفر هست فاتحه ای برایمان بخواند. همین قدر ساده. از جبهه که آمد عقد کردیم و سه روز بعد هم برگشت جبهه. شش ماه بیشتر عقد نبودیم. روزی که ازدواج کردیم به من گفت: «من امروز پیش امام رضا (ع) رفتم و خواستم به من فرزند دختر بدهد. به او گفتم من جانباز هستم و خودت می دانی حوصله سروصدا را ندارم، به همین دلیل از تومی خواهم به من سه تا فرزند دختر بدهی.» خدا هم حرف دل آقای جمع آور را شنید و به ما سه تا دختر داد. این قدر حرفش پیش خدا معتبر بود که نوه هایمان هم هر سه دختر هستند. خیلی نوه ها را دوست داشت. آن ها هم خیلی وقت ها دلتنگ آقایان محمود می شوند.

### ● طبع شعر شهید برای دختر هایش گل می کرد

مطهره دخترش هلمار بغل می گیرد. گویا خاطرات شیطنت های کودکی را به یاد آورده است، با خنده ای به پهنای صورت می گوید: البته خودم جای پسر را برایشان یرمی کردم. سردسته شلوغ کارها بودم. من متولد سال ۷۴ هستم، زهرا ۶۸ و محدثه ۸۰. دقیقا بین دو تا خواهرها هستم و با هر کدام ۶ سال فاصله سنی دارم. به همین دلیل با هر دویشان هم بازی بودم. جای بابا خالی. کم پیشمان بود ولی همان موقعی که بود با همان

نجمه موسوی کاهانی خانه شهید محمود جمع آور را خوب می شناسم. چند باری به بهانه های مختلف به اینجا آمده ام. خانه ای کوچک در محله سرافرازان که کارهای بزرگی در آن انجام می شود. این بار هم در یک عصر سرد زمستانی دیداری زنانه را رقم زدیم و در جمع گرم دختران شهید جمع آور و همسر او نوه هایش که همگی دختر هستند قرار گرفتیم. بآن ها از زمان شهادت پدرشان آشنا شده ام؛ حدود سه سال قبل که این جانباز صبور طاقش از زمینی بودن طاق شد و به دوستان شهیدش پیوست. همان موقع بود که متوجه شدم دختران این شهید عزمشان را جزم کردند تا راه او و دیگر شهدا را به سبک خودشان ادامه دهند.

### ● جمع آوری خاطرات بابا

زهرا دختر بزرگ شهید جمع آور متولد سال ۶۸ است و مادر سحر و صبا، یکی از فعالان کارگروه «ملازمان شهید» است و تمام هم و غمش شده زنده نگه داشتن یاد و خاطره والیتنه مسیر و پیام شهید. او این روزها مشغول جمع آوری خاطرات پدرش است تا در کتابی ۱۵۰ صفحه ای آن را به چاپ برساند. آن قدر فکر و ذهنش درگیر برنامه های کارگروه و جمع آوری خاطرات است که بدون مقدمه می گوید: یکی از دوستان قدیمی بابا تصمیم گرفته کتابی از خاطرات او را چاپ کند. یک فرصت دو هفته ای داریم تا هر چه می توانیم خاطرات او را از دوستان و همزمانش



بابا اصلا درباره جنگ صحبت نمی کرد و از درد هایش به ما نمی گفت. فقط روحیه می داد

#ملازمان\_شهید\_خانواده\_شهید\_جمع\_آور

### نوروز رنگی

در میان صحبت ها همان خنده همیشگی بر صورت مطهره نقش می بندد و رو به زهرا می گوید: جریان نوروز رنگی را تعریف کن، بگو دنبال مسافر بودی تا بیاری خانه خودتان. صدای خنده تمام خانه را پر می کند. خنده ای بر لب زهرا می نشیند و تعریف می کند: نوروز رنگی که مطهره می گوید جریان دارد. اربعین دو سال قبل وسایلم را بستم تا به

همان طور بسته بود و امیدوار بودم که شرایط مهیا شود، اما نشد. قسمت بود بمانم و در طرح «میزبانی زائر» بچه های کارگروه مشارکت کنیم. برای اجرای این طرح یکی از بچه های کارگروه به ورودی مشهد از سمت بهشت رضا (ع) رفته بود و به زائرانی که آنجا توقفی داشتند پیشنهاد می داد که منزل رایگان در اختیارشان بگذاریم. امسال که سریال نوروز رنگی پخش شد خودمان کلی خندیدیم، البته ما برای رضای پروردگار و آسایش زائران امام رضا (ع) این کار را کردیم.

کربلا بروم. زائران چهل و هشتم زیاد بودند و بچه های کارگروه در مشهد طرحی دادند. گفتند خانه هایمان را در اختیار زائران امام رضا (ع) بگذاریم. حتی از خودروهایشان هم مراقبت کنیم تا با خیال راحت به حرم بروند و زیارت کنند. غذا و پخت و پز هم با خودمان. من خیلی ناراحت شدم و گفتم الان که من دارم می روم شما این طرح را گذاشته اید. گفتند تو که از صفای کربلا بهره می ببری. اما مشکلی پیش آمد و نشد که به کربلا بروم. ساک وسایلم تا چهل و هشتم



روحیه می داد و برای هر قدمی که در راه شهدا برمی داشتیم تشویقمان می کرد. سال ۹۵ بود که تصمیم گرفتیم اولین اقدام را برای شهدا انجام دهیم. آن موقع صبا کوچک بود. اما همسر که همیشه با من همراه بوده، بچه را نگه می داشت و من با کار گروهی به اسم قرارگاه صاحب الزمان (عج) به مزار شهدای رفته و اسامی شهدا را رنگ آمیزی می کردم. کار رنگ آمیزی قبور مطهر شهدا را از خواجهر بیع شروع کردیم و بعد مزار شهدای حرم را تمام کردیم. بعد هم بهشت رضا (ع)، اولین باری که خواستم نذری دادن را شروع کنم به خاطر دارم. همان سال ۹۵ به همسرم گفتم بیاتاسو عا و عا شو را در حد توان نذری بدهیم. بایک فلاسک چای و یک قابلمه عدسی اولین نذری ام را پخش کردم. هنوز آن فلاسک را به یادگار نگه داشته ام.

### بابا همیشه همراهم است

زهرادر باره انتخاب نام کارگروهشان می گوید: آن موقع همراه بابا فعالیت ها را شروع کردیم. برای کارگروه همان دنبال اسم بودیم. یک کارگروه بدون منبت و فقط برای رضای خدا. حاج حسین آقای فنایی از دوستان بابا که جای پدرم هستند اسم کارگروه ما را انتخاب کردند و ملازمان شهید شدند. بابا از من حمایت می کرد و بارها تا اکتفا می کرد: «من هم که نبودم مراسم را قطع نکنید.» کسی که با من همراه بود بابا بود. با همان حال که مرخصی بی حال بود بیرون می آمد جای می داد و عدسی پخش می کرد. یک بار موقع نذری پخش کردن بابا دستش را پشت من گذاشت و گفت: بابا بدان من همراهت هستم. چه باشم چه نباشم. من هم همیشه حضور بابا را کنارم احساس می کنم. برای چند لحظه سکوت معنا داری خانه را فرامی گیری. مطهره سنگینی سکوت را می شکند و می گوید: زهرا خیلی انرژی دارد. هم از دو بچه اش نگهداری می کند و هم به تمام کارهای کارگروهشان رسیدگی می کند. حتما این همه انرژی و توان را از شهدای می گیری.

از نگاه من بی شک همین روحیه شاد مطهره و خستگی ناپذیری زهرادر کنار ایمان مادر و پدر شهیدشان در شرایط سخت زندگی توانسته آن ها را سرپا نگه دارد.

### از دواج آسان دخترهای شهید جمع آور

خانم اکبرزاده که دخترهایش هم مانند خودش در سن کم ازدواج کرده اند می گوید: دامادهای خوب دارم چون برای ازدواج دخترها سخت گیر نبوده ام. زهرا ۱۶ ساله بود که برادر جاری ام به خواستگاری آمد. پدرش با آقای جمع آور دوست بودند و شناخت کافی داشتیم. مطهره هم ۱۶ ساله بود و پسر برادر ۱۸ ساله که حرف ازدواجشان مطرح شد. گفتم دو تا بچه ۱۶ و ۱۸ ساله چطور زندگی را شروع کنند. آقای جمع آور گفت: «به خدا بسپار. پسر خوب و سالمی است.» بعد از عقد بود که کنکور داد و قبول شد. دو سال بعد هر دو دانشجوی بودند، هر دو درس خواندند، بچه هم که آمد روزی اش را با خودش آورد. مطهره با خنده می گوید: مامان یک سفر به سوریه رفت زهرا عروس شد، کربلا رفت من عروس شدم، سفر بعدی را که برود باید منتظر عروسی محدثه باشیم.

جواد الائمه (ع) تا از خود رو بیاده شدم خوردم زمین. آنجا از من نوار قلب گرفتند و متوجه شدند از قلب نیست و گفتند به بیمارستان قائم (عج) بروم. بالآخره آنجا متوجه شدند که سگته مغز بست. عوارض و علائم سگته که بماند. همان موقع در بیمارستان قائم آمبول اشتباه به دستم زدند و دست چپم عفونت کرد. هر چه به پرستار می گفتم بایک شست و شوی ساده رد می کرد. بعد که مرخص شدم پیش دکتر متخصص رفتم. دکتر تشخیص داد که عفونت شدید دارد و بلافاصله عمل شدم.

### با مرضی مامان، سرطان بابا برگشت

رو به زهرای منم می گویم: مگر پدرتان شیمی درمانی هم می شدند؟ او می گوید: بابا سال ۹۰ سرطان مری گرفت. مجبور شدند مری را بردارند و معده را با لیبیاورند. حدود سال ۹۵ حالش بهتر شده بود اما وقتی مامان سگته زد بابا هم آرام قرار نداشت. اتفاق بعدی بدتر بود و حسابی روحیه اش را باخت. آن موقع سرطانش دوباره شدت گرفت و معده سوراخ شد. بابا برای دردهای خودش خیلی صبور بود اما طاقت درد و مرضی مامان را نداشت. از طوبی خانم می پرسیم: مگر اتفاق دیگری هم برایتان افتاده؟ سری تکان می دهد و می گوید: برای اینکه اتاق آقای جمع آور از سروصدا دور باشد طبقه سوم بود. بعد از اینکه اتاق آقای جمع آور از سروصدا دور بالابر نصب کرد تا مجبور نباشم طبقه همکف تا سوم را از پله ها بروم. با فیزوتراپی داشتم کم کم راه می افتادم که همان روز اول وقتی سوار بالابر شدم، سیم بوکسل آن قطع شد. از طبقه سوم یگراست سقوط کردم پایین. این بار کتف و کمر و پاهایم شکست. خیلی دوره سختی بود چون دیابت دارم و زخم ها خوب نمی شد.

### سالهای سخت بیماری و پرستاری

مطهره روزهای سخت مرضی مامان و بابا را از زاویه نگاه خودش این طور تعریف می کند: سال ۹۵ که حادثه منا رخ داد مامان سفر حج بود. من و زهرا هر دو باردار بودیم و سال ۹۶ بچه هایمان چند ماهی بیشتر نداشتند که مامان و بابا هر دو مرضی شدند. وقتی تاریخ ها را مرور می کنم یاد می آید که چه روزهای سختی را گذرانده ایم. مامان که سگته کرد دخترم ۴ ماهه بود. بابا که معده را عمل کرد هلمنا ۶ ماهه بود. مامان که از بالابر افتاد ۱۱ ماهه بود. زهرا بیشتر پرستار بابا بود و من پرستار مامان. آن قدر این اتفاق های پشت سر هم زیاد و سنگین بود که خودمان یک پرستار شدیم. پیچ های بلاتین های پای مامان را خودمان می بستیم. رسیدگی به زخم های باز خیلی تحمل زیادی می خواهد. چند دفعه وقتی پرستار باند زخم های مامان را با می کرد من از دیدن وضعیت پاهایش از هوش رفتم. اما باید دختران محکمی می بودیم. هم مامان و بابا نیاز به مراقبت داشتند و هم باید به بچه های کوچکمان رسیدگی می کردیم.

### رنگ آمیزی قبور شهدا

زهرای می گوید: بابا هم نیاز به مراقبت داشت اما با همان حال به مامان رسیدگی می کرد. او غیر از اینکه جانباز اعصاب و روان بود چند بار هم در چند عملیات مختلف مجروح شده بود. گوشی تلفنش را برمی دارد و یادقت و حوصله یکی یکی می خواند: «والفجر ۸، کربلا ۵، قبل از کربلا ۸، بیت المقدس ۲، سال ۶۱ جذا به. بعد سرش را بالای آورد می گوید: بابا اصلا در باره جنگ صحبت نمی کرد. اصلا از دردهایش به ما نمی گفت. فقط

حال مریضش همیشه می خندید و با نوه های با می کرد. این قدر دختر دوست داشت که شعری بر ایمان گفته بود با این مضمون: سه گل دارم در این باغ یکی زهرا، یکی باشد مطهر، یکی باشد عزیز قلب بابا! هر چه فکر می کند حافظه اش یاری نمی کند که شعر را به طور کامل بخواند. بعد می گوید: در ادامه اش گفته بود عزیز قلب بابا محدثه است. صدای خنده در تمام خانه می پیچد. شلوغ کاری های مطهره در کنار آرامشی که زهرا دارد بیشتر به چشم می آید. مطهره می گوید: این سال های آخر که مامان و بابا هر دو مرضی بودند و نیاز به مراقبت داشتند من و زهرا نوبتی از آن ها پرستاری می کردیم. زهرا بیشتر کارهای بابا را انجام می داد و من بیشتر از مامان پرستاری می کردم. خانه و زندگی ام در بیرجند است و مشهد زندگی نمی کنم. اما بیشتر وقت ها مشهد بودم و گاهی هم مامان را می بردم. بیرجند پیش خودم.

### هر تکه از دل مادر پیش یکی از بچه هاست

زهرای می گوید: بالآخره زورش رسید و مامان را در کل برد بیرجند. مطهره با خنده پیروز مندا نه ای می گوید: مامان و بابا ۱۵ سال مشهد بودند. بعد از شهادت بابا گفتم من هم از مادرم سهمی دارم. یک بار که مامان و محدثه برای دیدن و بازدید اقوام به بیرجند آمده بودند، خانه ای اجاره کردم و با یک سری وسایل اولیه که از قدیم در اتاق خانه مادر بزرگم داشتیم بساط زندگی را چیدیم و آن ها هم ماندگار شدند. سراغ محدثه را می گیرم. می گویند کلاس دارد و مشغول درس است. خیلی اهل عکس و گزارش هم نیست. من هم با شناختی که از جوان های امروزی دارم اصراری نمی کنم. از مادرش می پرسیم چه کلاسی دارد؟ طوبی خانم می خندد. به سختی دست راستش را بالای آورد می گوید: یک سالی است که برای زندگی به بیرجند رفته ام. اما امسال محدثه دانشگاه نیشابور رشته آموزش زبان انگلیسی قبول شده. فعلا که کلاس ها آنلاین است اما وقتی حضوری شود فکر می کنم باید به مشهد بیایم تا نزدیک باشیم. وقتی مشهد هستم حواسم پیش مطهره است و وقتی بیرجند هستم دل پیش زهرا است. مادر همین است دیگر. تمام فکر و ذهنش درگیر بچه ها و نوه هاست. البته من به دلیل شرایط جسمی ام نمی توانم کمک حالشان باشم ولی بالآخره وقتی نزدیک باشیم خاطرمان جمع است.

### از درد دست تا سگته مغزی

هنگام صحبتش متوجه می شوم که دست های خانم اکبرزاده توان حرکت زیادی ندارند. از او در باره مشکل جسمی اش می پرسیم. آهی می کشد و تعریف می کند: سال ۹۶ بود. یک بار که آقای جمع آور را برای شیمی درمانی می بردم. درد شدیدی را در دستم حس کردم. این قدر شدید بود که نتوانستم آقای جمع آور را تا بیمارستان همراهی کنم. رنگ زردیم اورژانس آمد اما تشخیصی نداد و گفت چیزی نیست. به درمانگاه سرکوجه رفتم و گفتند بروید بیمارستان تخصصی جواد الائمه (ع). جلودر بیمارستان



### پخت غذا برای کارتن خواب ها

زهرا در باره فعالیت های کارگروه در مدتی که کرونا مانع برگزاری مراسم شده است می گوید: در مناسبت های مختلف با کمک های مردمی و هر مقدار که در توان خودمان باشد نذری می دهیم اما این دو سال به دلیل کرونا یک سری مسائل را رعایت کرده ایم. برای دیدار با خانواده شهدا احتیاط می کنیم تا خدای نکرده ناقل نباشیم و حقی بر گردنمان نماند. مراسم ها را کمتر کرده ایم و بیشتر پخت غذا برای نیازمندان و کارتن خواب ها داریم. به نیازمندان که شناسایی کرده ایم کارت داده ایم و به طور مداوم غذای گرم به آن ها می دهیم. غذا را در پیلوت خانه یکی از دوستان درست می کنیم، بسته بندی می کنیم و بعد هم با همسر، صندوق خودرو را پر از غذا می کنیم و شروع می کنیم به پخش آن ها. جاهایی که غذا را می بریم شرایط زندگی خیلی سختی دارند. گاهی از وضع نامناسب زندگی آن ها گریه ام می گیرد، شوهرم گفته اگر گریه کنی دفعه های بعد تو را همراهمان نمی بریم.

### طرح میزبانی زائر

همسر زهرادر طرح های کارگروه با او مشارکت می کند. زهرادر باره طرح میزبانی زائر توضیح می دهد: منزل مادر شوهرم و بقیه اعضای کارگروه را خالی کردیم و به زائران امام رضا (ع) تحویل دادیم. تهیه صبحانه و ناهار و شام آن ها هم با هزینه خودمان بود. یکی از کارهایی که مردهای ما نوبتی انجام می دادند مراقبت از خودرو و این زائران بود، حتی آن ها را با خودروهای خودمان تا حرم می بردند تا برای جای پارک معطل نشوند و با خیال راحت به زیارت بروند. بچه هایشان را هم نگه می داشتیم. یکی از اتاق های خانه مان شده بود مهد کودک. این برنامه سه چهار روز بعد از چهل و هشتم هم ادامه داشت تا زمانی که شهر خلوت تر شد. پذیرایی از زائر امام رضا (ع) برای ما خیلی باصفا بود. امسال هم این برنامه را داشتیم. یک بار شوهرم از سر کار برمی گشت که دیده بود یک خانواده هفت نفره در پارک در هوای سرد نشستند. زائر قبلی تازه رفته بود و شوهرم آن ها را دعوت کرد که به خانه ما بیایند. ولیچرا مامان را بردم و در اختیارشان گذاشتم تا مادر بزرگشان را هم به زیارت ببرند.

بررسی المان‌ها و دیوارنگاری‌هایی که از سال‌های قبل مهمان همیشگی منطقه ۹ شده‌اند

## بهارانه‌هایی برای تمام فصول

منطقه  
۹



نمادهای زیادی مهمان منطقه ما شدند اما تعداد اندکی ماندگار شدند. دیوارنگاری‌ها از آن دست نمادهای ماندگارند که معمولاً عمر طولانی‌تری دارند. در نوروز ۹۷ دیوارنگاری «باغ بهار» که طرحی زیبا از سارا دستمالچیان بود روی دیوار بولوار هاشمیه حد فاصل هاشمیه ۹ و ۱۱ نقش بست.

### ● دیوارنگاری‌هایی که روایت داستانی داشتند

نوروز ۹۸ علاوه بر المان‌های رنگارنگ و متنوع، تعداد دیوارنگاری‌ها بیشتر شد و دیوارهای منطقه با هنرنمایی طراحان و هنرمندان با انواع گل‌ها، داستان‌ها و روایات کهن آراسته شدند. دیوارنگاری «برگی از توس» با روایت داستانی از شاهنامه بر دیوار خیابان سرافرازان ۶ طراحی شد. این کار حاصل تلاش پویا نعمتی، سینا نعمتی، طیبه کردستانی و مهناز میریبه شفق بود. «روایت سیاوش» هم بر دیوار دیگری از خیابان وسیع سرافرازان ۶ نقش بست. روایت سیاوش را جعفر پاکروان طراحی کرد. «میدانگاه» اثر دیگری بود که توسط بهاره قادری و نفیسه خوش اندام در تقاطع بولوار پیروزی و شهید صیاد شیرازی ماندگار شد. این تقاطع که دیوارهای بزرگ و در معرض دید دارد میزبان اثر دیگری نیز بود. نسیم نوروزی، فرزانه رضای پور و مهناز آشورزاده بر بال خیال راد این تقاطع طراحی کردند. «مشاهیر» هم اثر دیگری بود که در این بهار به نرده‌های بزرگراه شهید کلاتری جلوه خاصی بخشید. مشاهیر حاصل تلاش احسان پیمانی زاد و سید حامد راجی است. «پویش بهاری» لیلادلفان هم در خیابان پیروزی ۸۷ همچنان ماندگار شده است.

### ● استقبال از بهار کرونایی

برای استقبال از بهار ۹۹ طرح‌های زیبایی ارائه شد. در

نجمه موسوی کاهانی ادرسال‌های گذشته بعضی المان‌ها در طرح‌های استقبال از بهار، آنچنان خوب در یک میدان یا خیابان جانمایی شدند که بعد از مدتی مردم آن‌ها را بخشی از هویت خیابان و محله دانستند. برخی از این نمادها حسن نوستالژی یک و خاطره انگیز دارند و بعضی دیگر از نظر معنا و مفهوم و یا جلوه بصری در خاطر مردم ماندگار می‌شوند. در منطقه ۹ از این دست المان‌ها در سال‌های اخیر کم نبوده‌اند. مثال بارز ش هم المان «شهدای غواص» در بولوار هاشمیه است. این نماد در استقبال از بهار سال ۹۵ توسط محراب اسدخانی ساخته شد و در بولوار هاشمیه جای گرفت. اما حتی با تبدیل میدان شهدای غواص به چهارراه، باز هم در همین بولوار ماندگار شد و فقط یک تقاطع بالاتر در میدان پیروزی قرار گرفت. یادمان «شهدای انرژی» ساخته فریدر جاب زاده نیز مثال دیگری است که در نوروز ۹۵ مهمان منطقه ما شد و پس از آن هم به دانشگاه فردوسی منتقل شد. در این گزارش نگاهی به برخی از این المان‌ها انداختیم.

### ● فرهنگ‌سازی با المان‌ها

اسفند ۹۵ در طرح استقبال از بهار سال ۹۶ المان «باد و چرخه تا آسمان» که کار مشترک نوید فلاح و سمیه سریری بود در بولوار وکیل آباد بر دیوار پل زینگر خودرو از سمت دانشگاه فردوسی به سمت ملک آباد جای گرفت. به این ترتیب از آن سال، این المان برای سرنشینان خودروهای عبوری در زمینه استفاده از دو چرخه فرهنگ‌سازی می‌کند.

در استقبال از نوروز ۹۷ «گردونه» سخاسارنگ که زیر پل میدان تلویزیون به سمت بزرگراه کلاتری کار شد از آن دست المان‌هایی بود که هنوز زیر این میدان نظر رهگذران را به خود جلب می‌کند. در این سال

راطراحی کرد، این المان پس از اکران در منطقه به دانشگاه فردوسی اهدا شد. «موش موشک» که کاری از نجمه سرپرست بود غیر از اینکه در بولوار فکوری ماندگار شده تعدادی از موش‌هایش هم میهمان کوه پارک شده و در کنار دیگر المان‌های این پارک تفریحی گردشگری قرار گرفته است. «آخرین گیاه» هم که کار رضای خسروی و رضامختاری بود در میدان هشتم شهر یورا اکران شد. پس از دو سال به کانون چهارم کوه پارک منتقل شد تا در منظر دید گردشگران و کوهنوردان باشد. در بهار ۹۹ دیوارنگاری «نبرد اسفند یار» کار هاشم ایرانی بر دیواری بین خیابان فکوری ۳۹ و ۴۱ نقش بست و همچنین «رویش» با طراحی فاطمه میر یعقوب زاده بر دیواری از ابتدای هفت تیر تا میدان اول قرار گرفت.

میان طرح‌های بسیاری که اسفند ماه ۹۸ برای نوروز ۹۹ اکران و در منطقه معرفی شدند تعدادی برای همیشه ماندگار شدند تا بعد از قرنطینه و تعطیلات کرونایی هم مردم از دیدن آن‌ها لذت ببرند. شاید در جای اولیه‌شان باقی نماندند اما بعد از جابه‌جایی هم در منطقه ۹ جانمایی شدند. طرح‌هایی مانند معنویت، چراغ خرد و دعای باران در جای خود نشسته‌اند. «معنویت» را محمد خوانساری در میدان شهید جوان کار کرد و «چراغ خرد» را میتراما کویی در ایستگاه اتوبوس قبل از میدان هشتم شهر یور ساخت. ایستگاه اتوبوسی که درست قبل از کتابخانه مرکزی قرار گرفته و نصب این المان تناسب خوبی با این فضا دارد. علی‌غلامی طراح «دعای باران» است که در میدان هنرستان همچنان پایرجاست. معصومه رضانی «مشهد منظومه صلح»

## المانی برای زندگی آپارتمان نشینی

محمد خوانساری طراح المان «معنویت» که در میدان شهید جوان جانمایی شده، برای ساخت این اثر، بیش از چهار ماه زمان گذاشته است. او درباره اثرش توضیح داده است: برای نشان دادن معماری با سابقه ایران طاق را انتخاب کردم که همواره نماد و تداعی کننده حرم و مکان‌های مقدس برای دعا و عبادت بوده است. همچنین از قوطی‌های فلزی به عنوان نماد معماری مدرن در طراحی این المان استفاده کردم. رضا براتی هم نقاش و مجسمه‌ساز تجربی، طراح «آخرین گیاه» است که بعد از اکران در هفت تیر به کوه پارک منتقل شده است. او درباره المان گفته است: در طراحی این اثر قصد داشتم به موضوع فراموش شده طبیعت و جایگزین شدن آپارتمان‌ها اشاره کنم. بوتنه ضعیفی که فردی در میان آپارتمان‌های سر به فلک کشیده در حال نجات آن است بهترین تداعی کننده برای این موضوع مهم و حیاتی است.

## دیوارنگاری‌ها از المان‌ها پیشی گرفتند

باشیوع کرونای اقبال طراحان بیشتر به سمت دیوارنگاری رفت تا نقش گل‌های بهاری را ماندگار تر کنند. هر چند المان‌های «بیلی» که یک عمر در دخت کاشت» ساخته اسماعیل رزاقی که در ورودی بوستان زندگی کوه پارک نصب شد، «سده ۱۴» کار مهدی درویشی در میدان کوثر و «آب و حیاط» کار شهریار جنگجو در میدان هفت تیر از المان‌های ماندگار و جذاب منطقه در بهار ۱۴۰۰ بودند اما دیوارنگاری‌ها کفه ترازو را به سمت خود چرخاندند. «بهار» کار نرگس صدیقی زاده بر دیوار پیروزی ۶۹ نقش بست. «تابستان و پاییز» اثر جعفر پاکروان در دلاوران ۲۸ طراحی شد. «عکس یادگاری» نفیسه خوش اندام در پیروزی ۸۱ نقش بست. «رخت طبیعت» کار عفت فروزنده نیز دیوار پیروزی ۸۴ را بهاری کرد. عفت فروزنده، «طبیعت» را نیز بر دیوار ارغوان ۱۷ طراحی کرد. «گنجینه» کار عاطفه صفی‌زاده نیز در بولوار شهر سستانی روبه‌روی پارک جنگلی چهل بوستان طراحی شد.

المان «شهدای غواص» به دلیل استقبال مردم از سال ۹۵ در بولوار هاشمیه ماندگار شده است



## نوجوان قهرمان محله فرهنگیان به سکوهای جهانی دوومیدانی می‌اندیشد

# دونده بلند پرواز

ظریفیان اهر چند قد بلند و پاهای کشیده و چابک یلدا در موفقیت‌هایش به عنوان یک دونده، تأثیر زیادی داشته است، اما مهم‌تر از آن اراده و پشتکارش برای تغییر زندگی، او را به سمت سکوهای برتر استانی و کشوری کشانده است. یلدا صفتیانیان نوجوان ۱۷ ساله محله فرهنگیان با یک آلبوم پر از حکم‌های قهرمانی و تقدیرنامه‌های مختلف در دوومیدانی، دو تار نوازی، نقاشی و حتی ملیله دوزی در رده‌های ناحیه‌ای، استانی و کشوری در این مصاحبه شرکت کرد در حالی که می‌گفت همه را مرمون حمایت‌های پدرش است.

### ● دختری از طبیعت شمال خراسان

خانواده صفتیانیان پنج سال است که ساکن محله فرهنگیان شده‌اند. از طبیعت زیبای شمال خراسان و از شهر لایین نوبه مشهد کوچ کرده‌اند. یلدا تا هشت سالگی در لایین نوبزرگ شد. خاطرات کودکی او پر است از همراهی‌هایش با پدر در کوه‌های هزارمسجد و زمین‌های شالیزار برنج. می‌گوید: همیشه صبح‌ها همراه پدرم می‌رفتم که آب زمین‌ها را باز کنیم و ببینیم. مانند پدرش آرام و شمرده حرف می‌زند و مانند او می‌خندد. حتی آرزوهایش شبیه واقعیت زندگی پدرش است: معلمی.

در آن طبیعت گردی‌ها بود که آقای صفتیانیان به دخترش گفت: تو هم مثل من استعداد ورزش داری. خودش غیر از آنکه به اقتضای شرایط زندگی کوهنورد و طبیعت گرد بود، والیبال هم کار می‌کرد. بعد که به مشهد آمدند دخترش را به سالن دوومیدانی استاد باغبان باشی در مجموعه ورزشی شهید بهشتی برد و گفت از او امتحان بگیرند. یلدا تعریف می‌کند: گفتند کفش مناسب نداری، نمی‌شود امتحان بدهی. گفتم کفش‌هایم را درمی‌آورم. اشتیاقم را که دیدند اجازه دادند با همان کفش‌ها امتحان بدهم. یکی از مربی‌ها که می‌گفتند در سطح ملی کار می‌کنند از من امتحان گرفت. بعد از آن گفت: بیایا خودم کار کن.

### ● هیچ کس خبری از من نگرفت

مقام‌هایش شامل رتبه‌های برتر استان یا کشور در مسابقات قهرمانی لیگ‌های فدراسیون دوومیدانی و مسابقات آموزش و پرورش است. از کلاس سوم تا نهم، هر سال در این مسابقات شرکت می‌کرده که یا اول می‌شده یا دوم. می‌گوید: دوومیدانی را انتخاب کردم چون یک رشته ورزشی مادر است و به نظرم رشته‌ای است که برای دختر هادر ایران می‌تواند آینده بهتری نسبت به دیگر رشته‌ها داشته باشد.

البته او فکری که کند در کل فضای پیشرفت در ورزش برای دخترها خیلی کم است و حتی خیلی وقت‌ها به ورزش دخترها آنچنان که باید بهاداده نمی‌شود. مثال هم می‌زند می‌گوید: از دو سال پیش به که به دلیل کرونا مسابقاتی نبوده و من هم درگیر درس بوده‌ام هیچ کس هیچ خبری از من نگرفت. هیچ کس حتی یک زنگ به من نزد که بگوید تو قهرمان مابودی و الان چه کار می‌کنی؟ به راحتی فراموش می‌شویم. حتی در یکی از مسابقات چون آسیب دیده بودم نمی‌خواستند من را به مسابقات کشوری ببرند. گفتند باعث می‌شود تیم پایین بیاید. گفتم هر طور شده می‌روم. مربی ام خانم فاطمه عزیز خیلی حمایت کرد و در نهایت رفتم. هنگام مسابقات مربی‌ها از من صرف نظر کرده بودند ولی بعد که دیدند دارم در جدول بالامی‌روم آمدند سمتم و شروع کردند به تشویق و اول شدنم. او هیچ وقت دست از آرزوهایش بر نمی‌دارد و روزی را می‌بیند که بر سکوهای جهانی دوومیدانی پا گذاشته است.



امید  
محله

### کرونا زندگی

### بعد از تعطیلات کرونایی دورهمی شعر فرهنگ سرای فناوری ورسانه دوباره راه‌اندازی شده است

# محفلی برای شاعران و غیر شاعران



### ظریفیان اشیوع

کرونا و محدودیت‌های

پس از آن، فقط کسب و کارها

را دچار آسیب نکرد، بسیاری

از گدغه‌های فرهنگی و اجتماعی

شهر و ندان نیز که سال‌ها نقش مهمی در

مشارکت مردم در فعالیت‌های اجتماعی داشتند

از رونق افتادند. با این حال در ماه‌های اخیر که آمارهای

کرونا بی‌رویه کاهش رفتند و بسیاری از محدودیت‌ها

برداشته شدند، پاتوق‌های محلی فعالیت دوباره خود را شروع

کردند. پاتوق شعر فرهنگ سرای فناوری و رسانه نیز از که از سال

۱۳۹۶ هر یکشنبه بعد از ظهر در سالن جلسات فرهنگ سرای تشکیل

می‌شد، با شیوع کرونا از هم پاشید، اما از ابتدای پاییز فعالیت دوباره خود

را شروع کرد و حالا کم‌کم به سمت رونق سال‌های قبل پیش می‌رود.

### ● محفلی برای همه

پاتوق شعر فرهنگ سرای فناوری و رسانه واقع در بوستان لاله با نام جلسه استاد اسماعیل گلشن نیز شناخته می‌شود. او استاد بازنشسته ریاضیات است اما سال‌هاست شعر را نیز به عنوان یک علاقه شخصی دنبال می‌کند. محفل ادبی بعد از آن شکل گرفت که او به فرهنگ سرا برای مطالعه و امانت گرفتن کتاب رفت و آمد می‌کرد و در این رفت و آمدها با مسئولان فرهنگ سرا هم صحبت می‌شد. در این گفت و گوها بود که مسئولان فرهنگ سرا با توجه به توانایی‌های گلشن به او پیشنهاد برگزاری پاتوق شعر را دادند. خود گلشن می‌گوید: تا پیش از کرونا استقبال شهر و ندان خیلی خوب بود و گاهی تمام صندلی‌های سالن پر می‌شد.

کرونا برگزاری جلسات را به مدت یک سال و نیم تعطیل کرد و حالا از ابتدای مهرماه این جلسات از سر گرفته شده‌اند. گلشن درباره رویکرد محفل می‌گوید: جلسه ما جلسه آزاد شعر است. یعنی همه می‌توانند در آن شرکت کنند و لازم نیست حتماً شاعر باشند. علاقه‌مندان به شعر و ادبیات هم می‌توانند در این جلسه شرکت کنند و اشعاری از شاعران مورد علاقه خودشان را قرائت کنند. بسیاری از افراد نیز اشعار خود را می‌خوانند که در ادامه حاضران به نقد و بررسی آن می‌پردازند.

### ● رونق دوباره پاتوق‌های محلی

فرهنگ سراهای مشهد از ابتدای شکل‌گیری شان تا کنون کار کرده‌های متفاوتی داشته‌اند. رئیس اداره فرهنگی معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد در این باره توضیح می‌دهد: در ابتدا رویکرد فرهنگ سراها ارائه خدمات عمومی فرهنگ و هنر، پر کردن اوقات فراغت و ارائه آموزش‌های مهارتی شهروندی به شهروندان بود. اما در دوره‌ای مدیریت شهری با بررسی موضوعات شهر مشهد تصمیم گرفت که فعالیت فرهنگ سراها را به سمت موضوعی شدن پیش ببرد. با این هدف که دامنه شمول مخاطبان آن‌ها شهروندان تمام مناطق مشهد باشند و نه محلات خاصی که فرهنگ سراها در آن‌ها قرار گرفته‌اند. از آن پس فرهنگ سراها ۷۰ درصد فعالیت‌های خود را به سمت فعالیت‌های موضوع محور پیش بردند.

علی مسافری می‌افزاید: اما بعد از آن دوباره توجه مدیریت شهری به سمت عمومی کردن فعالیت‌های فرهنگ سراها و ارائه خدمات منطقه‌ای جلب شد. او با تأکید بر اینکه شیوع کرونا از عوامل اصلی کم‌رنگ شدن پاتوق‌های محلی بوده است گفت: امیدواریم سال آینده با کاهش محدودیت‌های کرونا و افزایش ظرفیت‌های انسانی، شاهد رونق دوباره پاتوق‌های فرهنگی هنری در نقاط مختلف شهر باشیم. چرا که پاتوق‌های شعر محلی ظرفیت‌های خوبی برای ایجاد نشاط اجتماعی هستند. با توجه به زیاد بودن علاقه‌مندان به شعر و ادبیات در مشهد، این محافل محلی به نسبت هزینه‌ای که برای برگزاری آن‌ها صرف می‌شود، آورده خوبی در پر کردن اوقات فراغت شهروندان داشته‌اند و مورد رضایت مردم بوده‌اند.

### مجلات منطقه ما:

**۱۰:** نوفل لوشاتو، رضاشهر، طالقانی، سرافرازان، چهارچشمه، کوثر، هاشمیه، هنرستان، نیرو هوایی، آب و برق، اقبال، زکریا، لادن، شقایق ۱ و شقایق ۲ و گلدیسی

**۱۱:** رازی، استاد یوسفی، شریعتی، شاهد، لشکر، فرهنگیان، امامیه، رسالت، حجاب، ایثارگران، امام هادی (ع)، خاتم الانبیا (ص)

دبیر شهرآرا محله: فاطمه خالقی استاد  
دبیر شهرآرا محله منطقه ۹ و ۱۰: الهام ظریفیان  
تلفن شهرآرا محله منطقه ۹: ۳۸۸۳۸۸۵۲  
تلفن شهرآرا محله منطقه ۱۰: ۳۶۶۲۹۴۸۰

شماره پیامک: ۳۰۰۷۲۸۹  
دفتر منطقه ۹: بولوار وکیل آباد، ابتدای بولوار هاشمیه  
دفتر منطقه ۱۰: نیش استاد یوسفی ۱۳ فرهنگسرای خانواده  
پست الکترونیک: mahalle9@shahrara.ir  
mahalle10@shahrara.ir  
کانال شهرآرا محله: @ShahraraMahaleh  
دریافت نسخه الکترونیک شهرآرا محله از: shahraranews.ir



## پاتوق مسجدی های محله

از سوی سازمان زمین شهری و در قطعات ۲۵۰ متری به خانواده های شهیدا، جانبازان و رزمندگان واگذار شد. این خیابان از آنجایی اهمیت دارد که تنها مسجد محله هنرستان در آن قرار دارد و به همین دلیل نیز پاتوق فعالان اجتماعی، فرهنگی و مذهبی محله است.

ظرفیان | خیابان پیچ در پیچ هنرستان ۲۳ از یک سو به بولوار هنرستان راه دارد و از سوی دیگر به بولوار پیروزی می رسد. ساکنان قدیمی این کوچه در اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ که به این محله آمدند هنوز بولوار پیروزی وجود نداشت. بخش زیادی از زمین های این خیابان

## خیابان هنرستان ۲۳

منطقه ۹ - محله هنرستان



مسجد نیمه ساز امام علی (ع) پایگاه مذهبی و اجتماعی محله هنرستان است.



گلی بخشایشی مادر ۸۵ ساله شهید حمید میری در این خیابان زندگی می کند. او خود پسرش را راهی جبهه کرد.



بیشتر بچه های دهه ۶۰ که در این خیابان زندگی می کردند، دوره دبستان خود را در مدرسه شفیع منفرد گذراندند. این مدرسه دخترانه و پسرانه در سال ۱۳۶۷ تأسیس شده است.

مهری اختر دانش به اتفاق همسرش عباس صمدی طبقه همکف خانه شان در این خیابان را به حسینیه و پایگاه اجتماعی اهالی تبدیل کرده اند.

